

## یادداشت

محمد ناصر حق خواه

## محک می‌خوریم



چیز عجیب‌و‌باورناپذیری نیست که این روزها در اینستاگرام ندیده باشیم. برخی آدم‌ها شرف و حیثیتشان را، اموالشان را، ادب و نزاکتشان را و هر آنچه دارند و ندارند، می‌ریزند کف صفحه‌ای مجازی برای چندصد یا چندهزار دنبال‌کننده بیشتر، کمی توجه گرفتن، کمی یا بیشتر از کمی پول درآورن.

نمونه یکی دو روز اخیر اما با همه نمونه‌ها فرق می‌کرد. سوءاستفاده از احساسات مردم و مایه گذاشتن از بیماری کودکان معصوم برای چندصباحی بیشتر دیده شدن، اما ماجرا چیست؟ ما چه می‌توانیم بکنیم؟ و اصولا چرا؟

دو روز پیش فردی که کارش را تولید محتوا و فعالیت در اینستاگرام می‌داند و از پست‌های قبلی‌اش هم تلاش برای جذب دنبال‌کننده و مطرح شدن به‌وضوح مشخص است، پستی گذاشت بااین‌مضمون که به‌ازای هر بار استوری شدن پستش، هزار تومان به‌خیربه‌محک کمک‌مالی خواهد کرد. عجیب اینجا بود که چندین هزار نفر از کاربران اینستاگرام فارسی، این پست را استوری کردند. درحالی‌که پست‌های قبلی این فرد همه زیر هزار ویو و لایک داشت، این‌پست بیش از نیم‌میلیون بار دیده‌شده‌است.

راه‌های زیادی برای جذب فالوئر دیده بودیم اما استفاده از احساسات مردم آن‌هم با مایه گذاشتن از بیماری سرطان کودکان، نوبر بود؛ البته بحث‌ماتعین تکلیف‌برای آدم‌هایی که برای جذب دنبال‌کننده دست به هر کاری می‌زنند و تقبیح آنان نیست؛ چراکه اصولا این آدم‌ها مهم نیستند و با گفتن و نوشتن ما هم اصلاح نمی‌شوند. نکته اینجااست که ما به‌عنوان کسانی که در این وضعیت قرار گرفته‌اند، چه می‌توانیم بکنیم.

نا راحت بشویم یا نه ما هم در این ماجرا مقصر هستیم، به دو دلیل. اول اینکه بعد از چند سال از ظهور فضای مجازی و در این مورد خاص اینستاگرام، ما باید یاد گرفته باشیم که کم‌تر کسی برای رضای خدا در اینستاگرام کاری انجام می‌دهد و برای فهمیدن نیت‌ها هم کافی است در صفحه این آدم‌ها دو سه پست پایین‌تر برویم و ببینیم اصلا این آدم در چه فضایی سیر می‌کند و قرار است چه کاری کند. اصلا هم کار سختی نیست و تخصص عجیبی نمی‌خواهد. نکته دوم اینکه باید از خودمان بپرسیم چرا برخی از ما قبول کرده‌ایم با استوری کردن پست یک نفر، آن فرد هزار تومان به‌موسسه محک کمک خواهد کرد؟ آیا ته‌ذهنمان به این نیندیشیده‌ایم که یک کار خیر می‌کنیم و وجدانمان راحت می‌شود، از آن طرف هم هیچ پولی خرج نمی‌کنیم؟ آیا ته‌ذهنمان به‌اینکه به‌هر حال تبلیغ کار خیر می‌کنیم و دنبال‌کنندگان ما در اینستاگرام هم این را می‌بینند، فکر نکرده‌ایم؟ چرا ته‌ذهنمان به‌این‌موضوع فکر نکرده‌ایم که اگر بخوایم کمک کنیم، راه‌های بهتری هم هست؟

برای کمک به‌پچه‌های سرطانی، موسسه‌ای وجود دارد به نام محک که با مراجعه به‌سایتش، ما هم محک می‌خوریم. راه‌های کمک به این موسسه از همان هزار تومان تا چندمیلیون تومان هم باز است. از گرفتن شماره حساب مستقیم این موسسه که در سایت وجود دارد تا حضور در محل موسسه و کمک نقدی و حضوری و البته استفاده از نرم‌افزارهای پرداخت آنلاین که همه در گوشی‌های هوشمندمان داریم و حتی ۵۰۰تک‌تومانی هم می‌توانیم به این موسسه‌ها کمک کنیم. قطعافضای مجازی جای خوبی است برای کارهای خیر و خیلی‌ها هم کارهای مفیدی در این دنیا انجام می‌دهند اما کافی است برای فهمیدن نیت خوب یا بد این آدم‌ها، دوری در صفحه‌شان بزنیم، باور کنید زیر ۳۰ ثانیه زمان لازم‌دارد.

روژه آخر هفته

# حرفِ نان

عجیب است که خیلی‌ها فکر می‌کنند می‌شود شکم گرسنه را با حرف پر کرد. آدم گرسنه حرف نمی‌فهمد، حرف به دردش نمی‌خورد، حرف را شکل نان می‌بیند، ولی انگار فهماندن این موضوع به آدم‌های حراف شکم‌سیر، کار غیرممکنی است.

عصرهای نیمه‌سرد پاییزی جان می‌دهد برای گالری گردی و فاز هنری گرفتن؛ برای همین است که پیشنهاد می‌کنم فردا عصر سری به خیابان کوهسنگی بزنید و به نگارخانه رضوان بروید. نگارخانه رضوان از جمعه ساعت ۱۷ تا پنجشنبه ۱۶ آبان، میزبان نمایشگاه نقاشی «روزن‌های به رنگ» است. در این نمایشگاه، آثار نقاشی آبرنگ انسیه اکرمی به نمایش درآمده‌است. علاقه‌مندان به هنر نقاشی می‌توانند صبح‌ها از ساعت ۹ تا ۱۲ و عصرها از ساعت ۱۷ تا ۲۰ این نمایشگاه دیدن کنند. بازدید از نمایشگاه برای عموم، آزاد و رایگان است. نگارخانه رضوان در خیابان کوهسنگی، کوهسنگی ۱۷، پلاک ۱۶ واقع شده است.

## به رنگ روزنه‌ای باز کنید

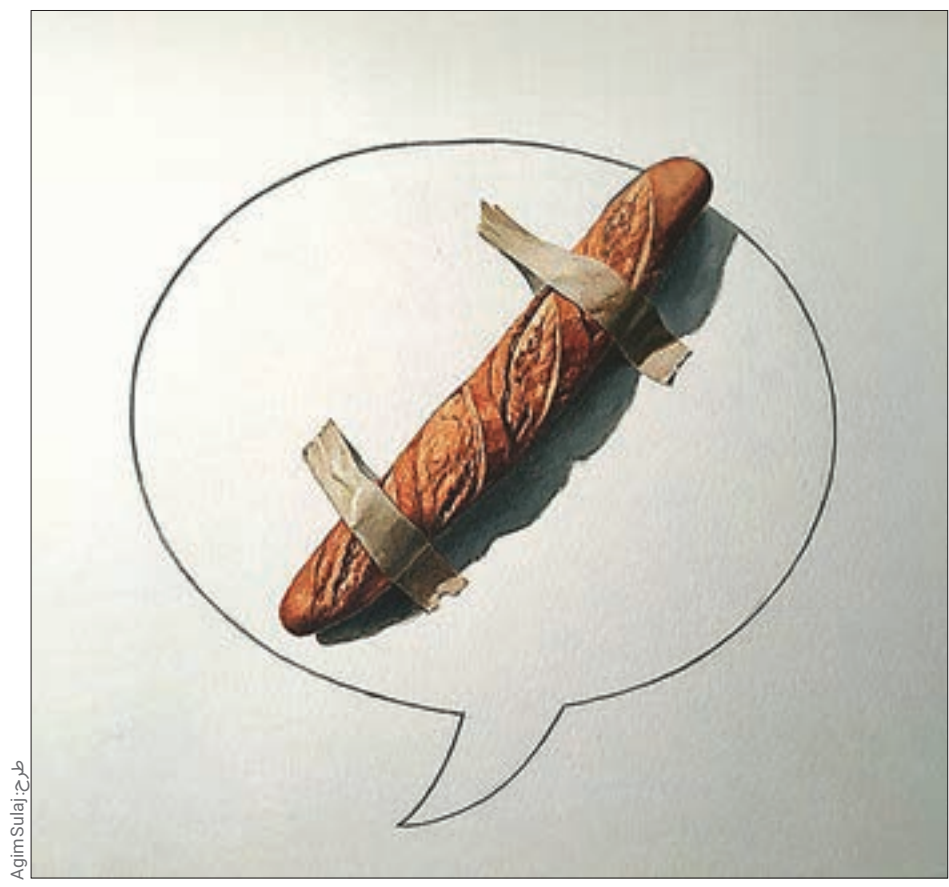
عصرهای نیمه‌سرد پاییزی جان می‌دهد برای گالری گردی و فاز هنری گرفتن؛ برای همین است که پیشنهاد می‌کنم فردا عصر سری به خیابان کوهسنگی بزنید و به نگارخانه رضوان بروید. نگارخانه رضوان از جمعه ساعت ۱۷ تا پنجشنبه ۱۶ آبان، میزبان نمایشگاه نقاشی «روزن‌های به رنگ» است. در این نمایشگاه، آثار نقاشی آبرنگ انسیه اکرمی به نمایش درآمده‌است. علاقه‌مندان به هنر نقاشی می‌توانند صبح‌ها از ساعت ۹ تا ۱۲ و عصرها از ساعت ۱۷ تا ۲۰ این نمایشگاه دیدن کنند. بازدید از نمایشگاه برای عموم، آزاد و رایگان است. نگارخانه رضوان در خیابان کوهسنگی، کوهسنگی ۱۷، پلاک ۱۶ واقع شده است.

## گزارش داغ

تیمی از خبرگزاری فرانسه به یکی از زندان‌های محل نگهداری عناصر تروریستی داعش در شمال شرق سوریه رفته و از آنجا گزارش تکان‌دهنده‌ای تهیه کرده‌است. زندانیان که حدود ۵هزار نفر می‌شوند، بیشتر اهل کشورهای سوریه، عراق، بریتانیا، فرانسه و آلمان هستند. تروریست‌های داعش در این زندان، لباس نارنجی‌ای را که داعش به تن قربانیان و اعدامیان خود می‌کرد، به تن دارند و از زمانی که زندانی شده‌اند، نور آفتاب را ندیده‌اند. آن‌ها از کشته شدن ابوبکر البغدادی، رهبر و خلیفه خودخوانده داعش، نیز بی‌اطلاع هستند. حدود یک‌سوم زندانیان در این زندان، بیمار و مبتلا به ایدز و هپاتیت هستند. روی بدن بسیاری از آن‌ها زخم و جود دارد که به درمان نیاز دارند. برخی زندانیان نوجوان هستند. خبرنگاران گفته‌اند زندانیان به قدری خطرناک هستند که برخی زندان‌بان‌ها از باز کردن درپچه سلول‌ها هراس دارند. شما می‌توانید گزارش تصویری این زندان را با اسکن کد روی عکس، در سایت فارو ببینید.

## جدول ۲۸۰۲

| بی‌بِق امروز<br>از شاگردان<br>این سینما | کشنده بی صدا<br>تلاش<br>برج گیتو | اساس<br>آب پند<br>پرواز موسی ع        | نوشین<br>کشوری در<br>شاخ افریقا | شخص<br>تار است<br>شعله آتش  | بارچه نعل<br>حقوق خرم‌داران<br>یکی از دوجنس | از ماه‌های<br>دوگانه قمری   |
|-----------------------------------------|----------------------------------|---------------------------------------|---------------------------------|-----------------------------|---------------------------------------------|-----------------------------|
| طلایی                                   | کلاه جنگی                        | همسر<br>هیتلر<br>فند شیر              | مجنون<br>ماده<br>فشدغقونی       | پسوند<br>یافتن<br>کلمه پریش | از بیماری‌های<br>چشم<br>گمان                | درختی<br>برای<br>ساخت نینوه |
| سر پره‌راه<br>گروه<br>سیاسی             | هشت یونانی                       | دو قلو شری<br>مهره ماسوره<br>لوله کشی | دندان گمشد                      | عنصر<br>کم حرف              | از بیماری‌های<br>چشم<br>گمان                | از ماه‌های<br>دوگانه قمری   |
| ورزش بهلولی<br>لاپ<br>دواکترو دی        | فهمیدن                           | رفیق پنجره<br>لباس                    | دندان گمشد                      | از انواع<br>لوبیا           | از بیماری‌های<br>چشم<br>گمان                | درختی<br>برای<br>ساخت نینوه |
| شیب<br>مایه حیات<br>لمپدن               | تکبر                             | خواهر و<br>برادر اصلی                 | دندان گمشد                      | از انواع<br>لوبیا           | از بیماری‌های<br>چشم<br>گمان                | درختی<br>برای<br>ساخت نینوه |
| شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه             | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه      | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه           | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه     | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه                 | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه |



## به وقت گشت و گذار

### یک عاشقانه خیلی ساده

«گندم (مهناز افشار) و علی (مصطفی زمانی) سال‌هاست که دل‌داده یک‌دیگرند و منتظر روزی هستند که با هم ازدواج کرده، با عشق کامل زندگی خودشان را آغاز کنند. در این بین، صفر (فرهاد آبی‌ش) که از بزرگان روستاست، سال‌هاست که با پدر گندم به نام امان (همایون ارشادی) عهد بسته است که پسرش کرامت (احمد مهرنفر) را به عقد گندم در بیاورد اما گندم به پدر اعلام می‌کند که علاقه‌ای به کرامت ندارد و دلش جای دیگری است.» آنچه خواندید، خلاصه فیلم «یک عاشقانه ساده»، ساخته سامان مقدم است که این روزها در شبکه نمایش خانگی عرضه شده است و شما می‌توانید با تماشای آن، آخر هفته‌تان را با یک عاشقانه دور همی و ساده که در زمان‌های قدیم روایت می‌شود، سپری کنید.

### سفر به مهنه

پیشنهاد می‌کنیم آخر هفته باروبندیل سفر ببندید و به سمت تربت حیدریه حرکت کنید. تربت را که پشت‌سر بگذارید، وارد روستای مهنه در ۲۰۰ کیلومتری مشهد خواهید شد. تابلوی قهوه‌ای رنگ، ورود شما را به زادگاه و آرامگاه شاعر و عارف وارسته، «ابوسعید ابوالخیر»، خوشامد می‌گوید. سپس با عبور از میان کوچه و خیابان‌هایی که به نام این عارف نامی تابلو خورده است، در میانه روستا به آرامگاهی زیبا می‌رسید؛ آرامگاهی که یکی از نقاط پرطرفدار این خطه برای گردشگران است. با این همه، مهنه فقط به ابوسعیدش نمی‌شناسند. مهنه مهولات می‌تواند برایتان یک تجربه خوب از حضور در یک روستا و باغ‌هایش به ارمغان بیاورد و لایه‌ای زندگی شهری، فرصت مگتنمی را برای تنفس فراهم کند.



| بی‌بِق امروز<br>از شاگردان<br>این سینما | کشنده بی صدا<br>تلاش<br>برج گیتو | اساس<br>آب پند<br>پرواز موسی ع        | نوشین<br>کشوری در<br>شاخ افریقا | شخص<br>تار است<br>شعله آتش  | بارچه نعل<br>حقوق خرم‌داران<br>یکی از دوجنس | از ماه‌های<br>دوگانه قمری   |
|-----------------------------------------|----------------------------------|---------------------------------------|---------------------------------|-----------------------------|---------------------------------------------|-----------------------------|
| طلایی                                   | کلاه جنگی                        | همسر<br>هیتلر<br>فند شیر              | مجنون<br>ماده<br>فشدغقونی       | پسوند<br>یافتن<br>کلمه پریش | از بیماری‌های<br>چشم<br>گمان                | درختی<br>برای<br>ساخت نینوه |
| سر پره‌راه<br>گروه<br>سیاسی             | هشت یونانی                       | دو قلو شری<br>مهره ماسوره<br>لوله کشی | دندان گمشد                      | عنصر<br>کم حرف              | از بیماری‌های<br>چشم<br>گمان                | درختی<br>برای<br>ساخت نینوه |
| ورزش بهلولی<br>لاپ<br>دواکترو دی        | فهمیدن                           | رفیق پنجره<br>لباس                    | دندان گمشد                      | از انواع<br>لوبیا           | از بیماری‌های<br>چشم<br>گمان                | درختی<br>برای<br>ساخت نینوه |
| شیب<br>مایه حیات<br>لمپدن               | تکبر                             | خواهر و<br>برادر اصلی                 | دندان گمشد                      | از انواع<br>لوبیا           | از بیماری‌های<br>چشم<br>گمان                | درختی<br>برای<br>ساخت نینوه |
| شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه             | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه      | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه           | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه     | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه                 | شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه |

پاسخ جدول ۲۸۰۱

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علوزاده

## — روزنوشت‌های شهری —

مسافر سنت در هزاره سوم (۳۲)

### چند ایستگاه طول می‌کشد

**شنبه-** پسر جوان دانشجویاز قرص خوردن و اعتیاد دم‌کنکور رفقایش می‌گوید و فشار عصبی و آسیب روانی غربیی که نظام رایج کنکور در پایان دوران تحصیلات عمومی به جوانان و خانواده‌هایشان وارد می‌کند.

هزینه‌اش را چه کسی می‌دهد؟ کل کشور و جامعه و سرمایه‌های انسانی‌اش و استعداد‌هایش و آینده‌اش و خانواده‌هایی که برای

این رقابت نفس‌گیر و بی‌معنی باید میلیون‌ها تومان خرج کنند. سودش را چه کسی می‌برد؟ چند موسسه معدود کنکور که در این بازار ساختگی، به درآمدهای عجیب و سرسام‌آوری دست می‌یابند.

**یکشنبه-** توی اتوبوس بی‌آرتی وسط جمعیت درهم‌فشرده ایستاده‌ام. پسر جوانی که روی صندلی کنارم نشسته است، نگاهی به موبایلش می‌کند و نگاهی به من می‌اندازد. بالاخره طاقت نمی‌آورد و درحالی‌که به صفحه موبایلش -با تصویری از من و متنی که حاوی تهمت و ناسزاگویی است- اشاره می‌کند، با اخم می‌پرسد: این چیه؟

جواب که می‌دهم، چهره‌اش را کمی آرام‌تر و مهربان‌تر می‌بینم. موقع پیاده شدن، دستم را به‌سویش دراز می‌کنم. او لیخند می‌زند و من پیاده می‌شوم.

**دوشنبه-** مردی که روی صندلی مترو کنارم نشسته و تقریباً هم‌سن‌وسال من است، وسط مشکلات بزرگ و کوچک کشور، بهانه‌ای کم‌اهمیت برای آغاز گفت‌وگو پیدا کرده است. چند ایستگاه طول می‌کشد تا قدری از احوال مختلف روزگار حرف بزنیم و او با خبرهایی تلخ‌تر و درد‌هایی بزرگ‌تر، ناراحتی‌اش را فراموش کند.

**سه‌شنبه-** دارم وارد پمپ‌بنزین می‌شوم که گوشی تلفن همراهم رنگ می‌خورد. پیرمردی از آن طرف خط می‌گوید: فلانی؟ پاسخ می‌دهم: بله، بفرماید! می‌گویند: با خودش کار دارم. جواب می‌دهم: من محمدرضا هستم، بفرماید!

می‌گویند: نه، من اشتباه گرفته‌ام، شما زائری نیستی.

**چهارشنبه-** توی تونل مترو استاد جوان دانشگاه که چندسالی است از آمریکا برگشته و عضو هیئت‌علمی است، از جوانانی که در فکر رفتن هستند، می‌گوید: سرمایه‌هایی که دارد به باد می‌رود. برنامه‌های منظم و دقیق برخی مراکز علمی آمریکا برای جذب مستقیم فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ما و فرایند رو به گسترش فرار مغزها. از او می‌پرسم: آیا چیزی که ما زیر زمین می‌فهمیم، بزرگان بالای برج‌ها نمی‌فهمند؟

**پنجشنبه-** حدود ساعت ۱۱ شب در مسیر برگشت به خانه، می‌خواهم از بقالی چیزی بخرم. وقتی وارد مغازه می‌شوم، می‌بینم فروشنده و شاگردش دوتفری سرشان را بالا گرفته‌اند و با دقت به تلویزیون خیره شده‌اند. کنج‌کاو می‌شوم که بدانم چه چیزی این قدر برایشان جذاب بوده است. یکی از کانال‌های سیما دارد سریال یوسف پیامبر را پخش می‌کند. شب جمعه برای روح بلند مر حوم فرج...! ساحتشور و صلوات هدیه می‌کنم که اثر ماندگاراش، بعد از سال‌ها وقتی برای چندمین بار پخش می‌شود، بازهم این‌گونه مشتری دارد.

## فیلم بین



### شیر شاه با رنگ و لعاب اضافه

ایمان فروزان‌نیا | اگر بخواهم بهترین کارتون‌هایی را که از دوران کودکی تا حالا دیده‌ام نام ببرم، شیر شاه قطعاً جزو سه کارتون اول خواهد بود؛ البته آن نسخه سال ۱۹۹۴ کمپانی والت دیزنی. در کودکی آن‌قدر آن را با برادرهایم نگاه کرده بودیم که سی‌دش‌خش افتاده بود و می‌شد از آن به‌جای سینه‌د استفاده کرد. تازه این را هم مدنظر قرار بدهید که آن زمان کارتون‌ها دوبله نبود و ما هم زبان انگلیسی بلد نبودیم. خلاصه یک‌جور مریض‌طوری شیرشاه را دوست داشتیم و شاید همان عشق قدیمی باعث شد با همه سرشلوغی‌ها بروم سراغ نسخه جدید و بازسازی مدرن این پویانمایی.

رفتن از شیرشاه محصول ۱۹۹۴ به شیرشاه محصول ۲۰۱۹ مثل پرش از تلویزیون سیاه‌وسفید به ال‌ای‌دی فول اچ‌دی ۴۰ اینچ است. کیفیت ساختش از زمین تا آسمان فرق کرده است. یک جوری که آدم فکر می‌کند دارد را ز بقا نگاه می‌کند و حیوانات داخل کارتون واقعی هستند.

این موضوع، هم خوب است هم بد. خودتان باید ببینید تا معلوم شود به دلتان می‌نشیند یا نه، ولی به‌هر حال کیفیت ساخت شیرشاه جدید اعجاب‌انگیز است؛ البته بیشتر منتقدان به نسخه قدیمی، نمره بیشتری داده‌اند. داستان هم که همان داستان قدیمی است و تغییری نکرده است. به فیلم‌های این‌جوان‌تر که نسخه قدیمی را ندیده‌اند، توصیه می‌کنم هر دو نسخه را تهیه و تماشا کنند. شیرشاه فیلمی است که ارزش دوبار دیدن را دارد.



تدائیل فیلم در فیلماپو